

درخشش دربار فاطمیان و تنوع فرهنگی آن^۱

نویسنده: سیبیل ماسوت

مترجم: صفورا فضل‌اللهی

دوران فاطمیان، دوران طلایی هنرها و صنایع‌دستی بود. قاهره در این ایام با کنار گذاشتن بغداد و قسطنطنیه به مرکز اصلی تولید مصنوعات گران‌قیمت و ارزشمند تبدیل شد. پایتخت مصر به شکل ماهرانه‌ای از پتانسیل قابل توجه هنری و اقتصادی سواحل مدیترانه بهره‌برداری کرد، جایی که مبادلات فرهنگی و اقتصادی برای قرن‌ها ادامه یافته بود. علاوه بر اینها، شهر قاهره نه تنها امیال تجملی طبقه حاکم را راضی نگه می‌داشت. همچنین اکثر نیازهای روزمره بخش مرفه جامعه شهری را نیز برآورده می‌کرد (به نقل از جنیزه Geniza، اسناد کنیسه‌ای در شهر فسطاط). منسوجات و اسبابی که در شهر قاهره تولید می‌شدند شهرت بسیاری داشتند و به تمامی کشورهای حوزه مدیترانه صادر می‌شدند. بدون شک شرایط سیاسی، مذهبی و اجتماعی که هنر فاطمیان در آن بالید؛ تأثیر سرنوشت‌سازی بر احیای منابع تزئینی گذاشت. در پایان قرن یازدهم تصاویر پیکره‌دار (Figural Depictions) رایج بودند و پیکره‌های شکارچیان، نوازندگان، رقاصان، کشتی‌گیران، بندبازان، مخموران، زندگی درباری و سرگرمی‌های دربار فاطمی به تصویر کشیده می‌شدند. در این تصاویر، اشکال متنوع و زیادی متعلق به حیوانات بودند که نه تنها شامل موضوعات کلاسیک (برگرفته از هنر ساسانی و بیزانس) همچون شیرها و غزالانی بودند که نمادهای قدرت تصور می‌شدند بلکه شامل تصاویر طبیعت‌گرایانه‌ای از زرافه‌ها، فیل‌ها، گوزن‌ها، یوزپلنگ‌ها و خرگوش‌هایی می‌شدند که گوش‌های بلندشان ویژگی این سبک جدید بود. البته در میان این حیوانات

1. Sibylle Mazot. "The Fatimids", *Islam, Art and Architecture*, Ed. Markus Hattstein and Peter Delius, H.F. Ullmann press.

تصاویری از حیوانات اساطیری نظیر شیردال (Griffin)، ابوالهول (Sphinx) و هارپی‌ها (Harpy) هم دیده می‌شد. نقش مایه‌های گیاهی نیز به دلیل چکیده‌نگاری (Stylization) زیادی که به تبعیت از سنت سامرا انجام می‌دادند، مورد توجه بودند. اهمیت جامعه قبطی در مصر با توجه به تصاویری که از حضرت مسیح، راهبان، زائران و حتی موضوعات یهودی که به تصویر درآمده‌اند، آشکار است. به طور کلی پیکره‌ها، خشکی و جمود اسلافشان را کنار گذاشتند و آزادی هنری بیشتری را بروز دادند.

سفال و شیشه

ظروف سفالی بسیاری از این دوران باقی مانده است که بعضی از آنها به دوران زمامداری افریقیه (Ifriqiya)^۱ تعلق دارند، یعنی ایامی که عناصر مدیترانه‌ای با سنت بین‌النهرینی در هم آمیختند. این ظروف مدرکی بر انتشار گسترده تکنیک لعابکاری و تزیینات رنگین‌فام هستند و گویی تالوویی همچون طلا و برقی چون ابریشم دارند. این تکنیک در طی قرن هشتم در سوریه یا مصر ابداع شد و حوالی سال ۸۵۰ م به سامرا رسید، سپس وارد قیروان (Kairouan) شد و در اوج شکوفایی‌اش به قاهره رسید. برخی از یافته‌ها نشان می‌دهد که روش لعابکاری در افریقیه ادامه یافت. سفالینه‌هایی که برای استفاده روزمره بودند ظروفی ساده و بدون لعاب بودند و ظروفی که متعلق به طبقه مرفه بودند ظروف زیبایی بودند که تمامی سطح‌شان پوشیده از نقش و نگار بود. بعدها این سفالینه‌ها در ایتالیا خواهان پیدا کردند، در ایتالیا کاسه‌های Bacini جهت تزیین نما و یا به عنوان ظروفی برای اجرای آداب نیایشی به کار می‌رفت.

شیشه همچون سفال با لعاب فلزی درخشان تزیین می‌شد. ظروف شیشه‌ای رنگین نیز در این دوران ساخته می‌شدند. این تکنیک از دوران باستان در مصر شناخته شده بود. بطری‌های شیشه‌ای، ساغرها و تنگ‌ها در کارگاه‌های قاهره در آتش کوره‌ها می‌گذاختند و اشکال نو و تازه‌تر با بیشترین کیفیت ساخته می‌شدند. سطح و رویه این ظروف با نقش مایه‌های گیاهی و الگوهای گرافیکی آراسته می‌شد و گاهی نیز رنگ‌آمیزی می‌شدند. آثار شیشه‌ای نقش برجسته نیز با کنده‌کاری و یا با مهر یا نقرکاری تزیین می‌شدند. اشیایی همچون گلدان‌ها، پایه‌های چراغ، سینی و عودسوزها با فلز ساخته می‌شدند. اشیای بزرگ و حجیم همچون ظروف آب یا قطعاتی از آب‌خوری‌هایی که برای دربار ساخته می‌شدند معمولاً قالب مفرغی داشتند. صنعتگران دوره فاطمی نخستین هنرمندانی بودند که برای اولین بار چنین اشیایی را با چنین اندازه و حجمی تزیین کردند. بعد از به غارت رفتن گنجینه خلیفه در سال ۱۰۶۸ م فهرستی از اشیاء تزیینی و تجملی تهیه شد که همگی با جواهرات و فلزهای قیمتی آراسته شده بودند اشیایی نظیر: طاووس زرین با چشمانی یاقوتی؛ جوجه خروسی آراسته به مروارید و جواهر، و نخل خرمایی با میوه‌هایی از مروارید. البته هیچ یک از این اشیاء موجود نیستند و تنها از طریق اسنادی که باقی مانده است از وجود آنها مطلعیم. طلا و نقره همچنین در جواهرسازی و ملبله‌کاری هم به کار می‌رفتند.

۱. این منطقه در دوران میانی اسلام شامل لیبی، تونس و الجزیره می‌شد.

کنده‌کاری چوبی و عاج‌کاری

چوبکاری‌ها، عاجکاری‌ها و ظروفی بلوری در میان فریبنده‌ترین مصنوعات قرار داشتند که در دوران فاطمیان تولید می‌شدند. این آثار به دلیل ظرافتی که در ساخت اثر به کار می‌رفت و به دلیل مهارت استادکار در کاربرد مواد، آثار حیرت‌انگیزی هستند. از آنجا که مصر الوارهای چوبی کمی داشت از این‌رو چوب‌های کاج، آبنوس، سرو، ساج، شمشاد و افاقیا به این کشور وارد می‌شدند. اکثر کنده‌کاری‌ها در کارگاه‌های قبطیان انجام می‌شد که مهارت‌های دوره طولونی را حفظ کرده بودند. تصاویر انسان‌ها و حیوانات با پیچک‌ها و الگوهای در هم بافته‌ای محاصره می‌شدند و نقش و نگارهای گیاهی و خطوط مواج از میان آنها راهشان را پیدا می‌کردند همانند نقوش اتاقک نگهبانی در کاخ غربی و یا محراب‌های مساجد سیده رقیه و سیده نفیسه. تیرها و الوارهای سقف کاخ‌ها و مساجد، قاب‌های در و پنجره، منبرها، تابوت‌ها و محراب‌های کوچک قابل حمل همگی با کنده‌کاری تزیین می‌شدند. ابتدا قسمت مورد نظر را به وسیله اسکنه‌ای می‌تراشیدند و آن را نقر می‌کردند و سپس قطعات عاج را به روی آن می‌نشانند. الگوها و موضوعات کنده‌کاری و چوبکاری‌ها شبیه همان الگوها و نقش و نگارهایی است که به روی عاجکاری‌ها هم دیده می‌شود.

بلورجات

منسوجات و اشیای بلورین نمادین‌ترین مصنوعات هستند که در دوره فاطمیان ساخته و تولید می‌شدند. آنها به عنوان اشیاء تجملی به طور منظم فروخته و صادر می‌شدند و یا در جنگ‌ها به غارت می‌رفتند. به کمک تکنیکی که ریشه در بین‌النهرین داشت ابتدا کوارتز طبیعی را نقر می‌کردند و با مته و اره به آن شکل می‌دادند؛ سپس طرح‌های جانوری یا گیاهی را به روی سطح آن می‌تراشیدند. بعضی از آثار و قطعات بسیار زیبا نظیر مهره‌های شطرنج، ساغر‌ها و یا سوسا در کارگاه‌های سلطنتی ساخته می‌شدند. به روی تعدادی از این آثار نام خلیفه حاکم کنده شده است. خلوص و شفافیت بسیار زیاد بلور باعث می‌شد تا آنها هدایای مناسبی برای مهمانان رده بالا باشند؛ از این‌روست که بسیاری از این اشیای بلورین در خزاین کلیساها و کشورهای مسیحی یافت می‌شوند. در کلیسا از بلورها به عنوان صندوقچه متبرکات استفاده می‌شد. ممکن است که بسیاری از این اشیاء متعلق به خزاین و گنجینه‌های خلفای باشند که بعد از غارت و چپاول‌شان در سال ۱۰۶۸م به کلیساها فروخته شدند. مورخ و نویسنده معروف مقریزی می‌نویسد تقریباً ۱۸۰۰۰ ظرف بلوری در آن زمان دزدیده شدند و بعدها به امپراتوری بیزانس و اروپا برده شدند.

منسوجات

منسوجات فاطمی به خزاین و گنجینه‌های کلیساها غربی راه پیدا کردند؛ برخی از آنها همانند روبنده قدیس آن آپتی (Ann Apt) و کفن کادوئین (Cadouin) اشیای متبرکی نزد زائران بودند. مصریان سابقه کهنی در بافت پارچه‌های کتان داشتند. نخستین مراکز تولید منسوجات در شرق، در دوران زمامداری فاطمیان در مصر و چندین کارگاه نیز در دلتای نیل تأسیس شدند. همچون کارگاه‌های کنده‌کاری، صنعت

نساجی هم در دوران حاکمیت خلفا حق انحصاری قبطیان بود. این صنعت که نظام اجرایی خاص خودش را داشت طراز (Tiraz) نامیده می‌شد و کارگاه‌های آن به دو دسته طراز خاص (که برای اعیان بافته می‌شد) و طراز عام (که برای مردم عادی بافته می‌شد) تقسیم شده بودند. پارچه با نوارهای تزئینی بافته و با نخ‌های پشمی، ابریشمی و گاهی زرین و سیمین گلدوزی می‌شد. این منسوجات همانند ظروف بلوری حاوی نوشته‌هایی به خط کوفی بودند که در آنها به نام خلیفه زمان و کارگاه سازنده اشاره می‌شد. گاه نوارهای تزئینی منقوش به نقش مایه‌های گیاهی و اشکال و پیکره‌ها می‌شدند. بعضی از ارزشمندترین و قیمتی‌ترین منسوجات، شامل ردهایی برای شاه و دربارش می‌شدند و برخی به صورت پرده‌هایی در می‌آمدند که ویلیام تایلر هم آنها را هنگام بازدیدش از کاخ خلیفه در قاهره توصیف می‌کند. در کنار سفال‌ها و ظروف بلورین، منسوجات ساده‌تر نیز تولید می‌شدند. ما همچنین از وجود کارگاه‌هایی باخبریم که در مناطق دوری به تولید و بافت منسوجات بودند کارگاه‌هایی مانند کارگاه پالموی سیسیل که جبه بسیار عالی شاه روزه دوم (Roger II) که به سال ۱۱۳۰م بافته می‌شد از جمله آثار این کارگاه است. سیسیل همچنین از جمله مراکز مهم صنایع دستی، چوبکاری و عاجکاری بود و جعبه‌های کنده‌کاری شده یا منقوش‌اش و شاخ‌های عاجش از جمله محصولات بسیار مشهور این شهر بودند.

از آنجا که کتابخانه کاخ پس از سقوط دستگاه خلافت، متلاشی شد و از بین رفت؛ متأسفانه نمی‌توانیم درباره نقاشی دوره فاطمیان با قطعیت سخن بگوییم. از نقاشی‌های این دوران فقط چندین نسخه قرآن و چندین کتاب غیرمذهبی باقی مانده و از واکاوی‌های شهر فسطاط نیز چندین طراحی کاغذی با جوهر سیاه و طراحی‌های رنگی به دست آمده است. طرح‌های این آثار شبیه سفال‌های این دوران هستند. نقاشی‌های سقف کاپلا پالاتینا در پالمو فهرستی تصویری از مضامین فاطمی است که در صحنه‌های متنوع تصویر شده‌اند، این نقاشی‌ها هنگامی اجرا شده‌اند که زمان زیادی از سقوط دستگاه خلافت می‌گذشت و نشانه خلاقیت بسیار زیاد شهری بودند که فاصله زیادی تا قاهره داشت و علاوه بر آن شهری مسیحی‌نشین هم بود.

تأثیرات فاطمیان بر سیسیل و ایتالیای جنوبی

بدون شک ورود امیران کلبی (Kalbid) در ۹۱۷م نقطه عطفی در تاریخ سیسیل محسوب می‌شود. آنها با تقسیم اراضی، اقتصاد منطقه را شکوفا کردند و در عرض چند دهه سرزمین غله‌خیز روم دوباره به رونق سابقش بازگشت. پالمو باعث ایجاد این امیرنشینی شد و بعدها به یکی از بزرگ‌ترین ابرشهرهای کشورهای حوزه مدیترانه بدل گشت. سال‌های پایانی حکمرانی کلبی‌ها با دسایس کاخ‌نشین‌ها و نزاع امیران محلی همراه بود. روزه د اوتویل (Roger de Hauteville) که در ایتالیای جنوبی ساکن شده بود از آشوب فضای موجود استفاده کرد و در سال ۱۰۶۰م سیسیل را فتح کرد. پسرش روزه دوم در سال ۱۱۳۰م این جزیره را به یک پادشاهی بدل کرد. نورمانی‌ها علیه شهرهای ساحلی آفریقای شمالی حملاتی را به راه انداختند و جریبا (Jerba)، تریپولی (Tripoli)، مهدیه (Gabes)، (Sfax)، (Sousse)، (Mahdiya) و بونا (Bona) را اشغال کردند. سرانجام نیز ویلیام دوم در ۱۱۷۴م نیروی کمکی نظامی به سوی قلمرو فاطمیان

فرستاد تا جلوی پیشروی صلاح‌الدین ایوبی را سد کنند. در دوران زمامداری روزه دوم (۱۱۳۰م تا ۱۱۵۴م)، ویلیام اول (۱۱۵۴م تا ۱۱۶۶م) و ویلیام دوم (۱۱۶۶م تا ۱۱۸۹م) همزیستی مسالمت‌آمیزی میان مذاهب دیده می‌شد و شأن عبادی مذاهب همچنان ادامه داشت. با مرگ ویلیام دوم، نزاع‌های خشمگینانه‌ای بر سر جانشینی پادشاه آغاز شد و تنها شش سال بعد با جلوس کونستانس (Constance)، دختر روزه دوم و همسر امپراتور هنری ششم، به تخت سلطنت شعله‌نزاع‌ها فرو نشست. اکنون جزیره در دستان خاندان هوئنشتاوفن (Hohenstaufen) و فردریک دوم، پسر کونستانس، قرار داشت که در سن چهار سالگی پادشاه سیسیل شده بود و بعدها به عنوان امپراتور تاج‌گذاری کرد. فردریک دوم به هنگام ازدواجش در سال ۱۲۲۵م لقب پادشاه اورشلیم را کسب کرد و روابط دوستانه‌ای را با فخرالدین فرستاده پادشاه قاهره، المالک‌الکمال (۱۲۱۸م تا ۱۲۳۸م) آغاز کرد و در ۱۲۲۶م معاهده‌ای مبنی بر همکاری دو سویه میان‌شان منعقد گشت. چنین تفاهم مفیدی تأثیر مثبتی بر روابط سیاسی میان مصر و امپراتوری مقدس روم گذاشت اما سیاست فردریک در قبال مسلمانان سیسیل بسیار بد عمل کرد. او طغیان مسلمانان را در سال ۱۲۲۴م با خشونت بسیار سرکوب کرد و در حدود ۱۶۰۰۰ نفر شورش را به (Lucera) در آپولیا (Apulia) تبعید کرد. وقتی در سال ۱۲۴۳م شورش دیگری در گرفت و شورشیان این طغیان نیز تبعید شدند و اسلام در سیسیل به اتمام رسید.

تصور کردن هنر اسلامی ایتالیای جنوبی چندان آسان نیست و تعیین دقیق سهم اسلامی یعنی اقلیبه (Aghlabid) و فاطمیان در خلق آن غیرممکن است. سیسیل در دوره حکومت کلبی‌ها بیش از ۲۰۰ سال تحت فرمانروایی مسلمانان بود و تقریباً هیچ یک بناهای این دوران باقی نمانده‌اند. تنها بناهای باقیمانده مسجد کوچکی در پالرمو و پایه‌های کاخ فواره هستند؛ بنای دومی اقامتگاهی بود که حوالی سال ۱۰۰۰م به دست امیر جعفر ساخته شد. حتی بناها و آثار تاریخی این دوره بیرون از پایتخت نیز بسیار کم و نادر هستند. عدم حضور بناهای اسلامی در تضاد آشکار با گنجینه‌هایی از متون و اسناد، اسامی کهن محله‌ها و اشیای متنوع و بسیاری است که اکنون در موزه‌ها نگهداری می‌شوند. شگفت آنکه با اتکا به بناهای دوران نورمانی‌ها که منصوب به طراحان و معماران مسلمان هستند می‌توان به نسبت معماری اسلامی در جزیره سیسیل پی برد.

معماری

امیران و سلاطینی که در قرن دهم پالرمو را برای اقامت‌شان برگزیده بودند در ارگ‌های قدیمی سکنی گزیدند و باسیلیکاها را به مساجد جامع بدل کردند. در سال ۹۳۷م کلبی‌ها به دلایل نظامی شهر دومی را تأسیس کردند که چندان از بندرگاه پالرمو دور نبود. این شهر خلیصه (Al-Khalisa) به معنای «انتخاب شده» نام گرفت و پس از فتح سیسیل به دست نورمانی‌ها متروکه شد اما زمانی که حکمرانان جدید ساکن کاخ‌های قدیمی شدند، تغییراتی در این شهر ایجاد و استحکامات دفاعی‌اش را تقویت کردند. کاخ سلطنتی شهر، اکثر قسمت‌ها و دفاتر مهم اجرایی را در خود جای داده بود؛ همچنین کارگاه‌هایی همچون منسوجات

هم که شهرت‌شان از مرزها جزیره نیز فراتر می‌رفت، درون کاخ قرار داشتند. شاهزادگان نورمانی نیز همچون امیران و سلاطین مسلمان پیش از خود، اندیشمندان و محققانی نظیر الادریسی را به دور خود گرد آوردند؛ الادریسی همان فردی بود که نقشه‌ای از دنیا برای روزه دوم تهیه کرد و اثری به نام *نزهت‌المشتاق* نگاشت که دربارهٔ جغرافیا بود. چند دهه بعدتر فرخ‌الدین که منجم و متفکر جدلی مشهوری بود شکار با قوش را به فردریک دوم معرفی کرد. فردریک دوم به شعر و علوم طبیعی علاقه داشت و دستور داد تا آثار عربی را ترجمه کنند.

در سال ۱۱۴۰م روزه دوم امر کرد تا کاپلا پالاتینای باشکوه به عنوان ساختمان ضمیمهٔ کاخ سلطنتی ساخته شود. این ساختمان علاوه بر کف‌پوش‌های زیبا و موزاییک‌کاری عالی‌اش دارای نمازخانه‌ای است که به علت سقف چوبی منحصر به فردش که با مقرنس تزئین شده، درخور توجه است. هر یک از تورفتگی‌ها و برآمدگی‌های مقرنس شامل تصویری با تمپراست که آراسته به حاشیه‌های سنگ‌کاری شده و ادعیه‌هایی است که به مفاهیمی همچون شادی، نوع‌دوستی، کمال، قدرت، شهرت و خوشی اشاره می‌کنند. گاهی نیز قسمت جلویی گنبد و تاقگان (Arcade) نیز با تصاویری از زندگی روزمره و زندگی درباری نقاشی می‌شد. به غیر از صحنه‌ها، تصاویری از گیاهان و جانورانی مانند خرگوش، پرندگان، حیوانات درنده، گوزن‌ها و فیل‌ها و یا مخلوقات اساطیری همچون شیردال، سیرن‌ها یا ابوالهول هم وجود داشت. حالت خشک و انعطاف‌ناپذیر پیکره‌های انسانی، تمام‌رخ یا نیم‌رخ پیکره‌ها، چهره‌های متوازن، مدل موی زنان، پوشاک، جواهرات، چین و چروک جامه‌ها حتی حاشیه‌های منجوق‌دوزی لباس‌ها شبیه دیوارنگاری‌های قصر حیره غربی متعلق به دوران امویان و کاخ‌های سامرا، قاهره و فسطاط است. با تحلیل کتیبه‌ها ثابت می‌شود که نقوش سقف متعلق به هنر فاطمیانِ افریقیه و خاورمیانه است اما مسئله تفسیر نمادین طراحی‌ها همچنان مسئلهٔ حل نشده‌ای باقی مانده است. آیا این تصویر، تصویر بهشت است؟ و یا تصویری که به تجلیل و تمجید حاکم می‌پردازد؟ آیا این تصویر کارکرد آموزشی داشته و یا تصویری نمادین است؟

اتاق‌های این کاخ همانند اتاق‌های کاپلا پالاتینا به شکل باشکوهی آراسته شده‌اند. دیوارهای سالن روزه (هر چند این سالن، روزه نامیده می‌شود اما این مکان در دوران جانشینان او کامل شد) مزین به موزاییک‌های بسیار زیبایی است که حاوی تصاویر صنعتی همچون درختان نخل، یا درندگانی چون شیر، پلنگ و یا پرندگانی مانند قو یا طاووس است و شباهت بسیاری به موزاییک‌های زیبای کاخ اموی المفجره دارند.

شاهزادگان نورمانی با تقلید از پیشینیان‌شان، شکارگاه‌های قدیمی را که در گذشته به دست کلبی‌ها بنا شده بود و در نزدیکی دیوارهای شهر قرار داشتند را مرمت کردند و چندین بنای جدید نیز به آن افزودند. این باغ بزرگ «جنت‌الارض» یا «باغ بهشت» نام دارد و در سنت اسلامی به تجمل و شکوه اشاره دارد. شاهان نورمانی به دلیل عشق و علاقه‌شان به عجایب و غرایب، کاخ‌هایشان را با اسامی عربی نام‌گذاری می‌کردند. ابن جبیر با زیبایی تمام کاخ‌های اطراف شهر را به مرواریدهای گردن‌بند دختری جوان تشبیه می‌کند. این کاخ‌ها همانند اقامت‌گاه‌های تابستانی ساخته می‌شدند اما همانند کاخ‌های امویان یا کاخ

الرصفا (al-Rusafa) متعلق به دورهٔ اغالبیه با مراتع و باغستان‌های مرکبات، نخلستان‌ها، درختان زیتون و نیشکر و دیگر گیاهان و درخت‌ها محاصره می‌شدند. در نیمهٔ دوم قرن دوازده، اقامت‌گاه‌های تابستانی دارای نقشهٔ مستطیل شکل به همراه بنای پیش‌آمده‌ای در قسمت جلوی اقامت‌گاه بودند. درون اقامت‌گاه تمامی قسمت‌ها کاملاً قرینه بودند و هال مرکزی، صلیبی شکل و دارای سه شاه‌نشین (Alcove) بود. اتاق پیش‌تالار (Anteroom) در کاخ‌های لازیسا (Lazisa) و اسکین (Scibene) به دلیل وجود نقشهٔ T شکل اقامت‌گاه ساخته شدند. کاخ لاکوبا (La cuba) که در ۱۱۸۰م ساخته شد نقشهٔ جالبی داشت چرا که راهی به باغ‌های اطراف نداشت اما مشرف به حیاط‌های داخلی بود و به گونه‌ای طراحی شده بود تا در تمامی سال مورد استفاده باشد. سیستم ماهرانهٔ تهویهٔ کاخ‌های سیسیلی طوری ساخته شده بود تا محافظی در برابر گرما باشد به همین منظور درها و کف کاخ‌ها عایق‌بندی می‌شد. تزیین و آرایش داخلی نیز بسیار پیچیده بود. مقرنس‌های گچی، سنگی، شاه‌نشین‌ها و راهروهای کاخ را می‌آراستند.

آب هم در قسمت‌های داخلی کاخ‌ها و هم در قسمت‌های بیرونی کاخ اهمیت داشت. چشمهٔ زیبایی (Shadirwan) در کاخ لازیسا وجود دارد که نه تنها جنبهٔ تزیینی دارد بلکه برای تهویهٔ هوا و مرطوب کردن آب و هوای داخل کاخ نیز به کار می‌رود. آب از دیوار اتاق مرکزی سرآزیر می‌شود و پیچ و تاب‌خوران از روی پله‌های سلسبیل (Salsabil) پایین می‌ریزد تا از راه جوی باریکی به درون حوض کوچکی بریزد که بیرون کاخ قرار دارد. بر طبق عادت مسلمانان همیشه منبع آبی در بیرون ساختمان وجود داشته است از این‌روست که لاکوبا همچون جزیره‌ای در میان استخری قرار گرفته است.

براساس واکاوی‌های باستانی که در اطراف لازیسا صورت گرفته حمام و نمازخانه نزدیک کاخ‌ها ساخته می‌شدند. منابع ادبی تأیید می‌کنند که حمام‌های بسیاری در سیسیل وجود داشته است. گرمابهٔ کوچکی در Cefalu Diana وجود دارد که حدوداً در بیست کیلومتری پالمو قرار دارد و گرمابهٔ درخور توجه‌ای است: این بنا فقط یک اتاق دارد اما دارای سه خزینه است که با آب داغ چشمهٔ آب‌گرم، پُر می‌شود. بر نمای بیرونی حمام، کتیبه‌ای به خط کوفی نقش بسته است که از منشاء اسلامی قوس‌های نورمانی شکل بنا خبر می‌دهد. این کتیبه نشان می‌دهد که گاهی عناصر معماری را عامدانه تغییر می‌دادند تا آنها را شرقی کنند. آرایش و ترکیب متقارن ورودی کاخ‌ها و نقشهٔ صلیبی شکل‌شان شبیه کاخ‌های المنصوریه، آشیر (Ashir)، و (Qalas) است. البته نباید بناهای سیسیلی را تقلیدی از هیچ نمونهٔ به خصوصی تلقی کرد، این آثار فقط از دیگر بناها اقتباس‌هایی کرده‌اند. ابعاد کوچک بناهای پالمو و حوض‌های آب که در میان فضای صلیبی شکل کاخ‌ها قرار گرفته بودند باعث می‌شد تا انجام مراسم تشریفاتی و درباری در کاخ‌ها امکان‌پذیر نباشد. در حقیقت طراحی این کاخ‌ها به گونه‌ای نبود تا مناسب برگزاری رویدادهای رسمی باشد و فقط بخشی از سال و برای کارهای خصوصی مورد استفاده قرار می‌گرفت. فردریک دوم هیچ تغییر درخور توجه‌ای به بنای کاخ‌هایی که توسط اسلافش ساخته شده بودند، نیافزود. در عوض او در سیسیل و آپولیا دژهای بسیاری ساخت که طرح کلی‌شان نظیر طرح‌های اروپایی اما ساختمان‌شان شبیه رباط‌های افریقیه بود. یک نمونهٔ غیرمعمول قلعهٔ دل‌مانتی (Del Monte) است که توسط فردریک دوم در سال ۱۲۴۰م در

آپولیا ساخته شد. این قلعه پلانی هشت ضلعی دارد و به وسیله برج‌های قلعه که در هر هشت زاویه آن قرار گرفته‌اند قلعه را محافظت می‌کنند. آرایش بیرونی این بنا که دارای حیاطی مرکزی است به حاشیه تزیینی دنباله‌داری محدود شده است که تا نیمه دیوارها بالا رفته و برج‌ها را به یکدیگر متصل می‌کند. داخل قلعه سیستم ارتباطی صوتی - تصویری بر رفت‌وآمد مسافران و بازدیدکنندگان نظارت می‌کند. در این قلعه نیز سیستم ماهرانه‌ای نظیر تهویه هوای کاخ لازیسا وجود داشت؛ همچنین آب به کمک لوله‌ها از منبعی که آب باران در آن ذخیره می‌شد به حمام‌های کاخ و بقیه تأسیسات بهداشتی فرستاده می‌شد. این چیده‌مان‌ها با معماری اسلامی به خصوص بناهای اموی شباهت دارند. دروازه قلعه دل‌مانتی آشکارا تحت‌تأثیر سازه‌های اموی بوده است. همچنین راه ورودی که در ساختمان‌های نظامی و اقامت‌گاه‌های واقع در شمال آفریقا و خاورمیانه بعد از یک «پیچ» قرار گرفته است، مانند سازه‌های اموی است.

بناهای گنبدی سیسیل، یادگار افریقیه

کلیساهای گنبدی پالمو نظیر ماستارا (Mazara) و میسنا (Messina) به شکل حیرت‌انگیزی شبیه بناهای افریقیه هستند. گنبدها calotte نیم‌کره سنگی دارند و به روی ساقه گنبد (drum) و سکنج (Squinch) قرار گرفته‌اند. کلیسای سن‌جیوانی دِگلی ارمیتی (San Giovanni degli Eremiti) در پالمو نقشه کفش صلیبی شکل است و به پنج قسمت تقسیم شده و با گنبدهایی مسقف گشته است که هر یک اندازه متفاوتی دارند. چیدمان سه گنبد بلند بالای شبستان (Nave) کلیسای سن‌کاتالدو (San Cataldo) که در سال ۱۱۶۱م یعنی آخرین سال حکمرانی نورمان‌ها ساخته شد، بسیار منحصر به فرد است. گنبدهای کوچک‌تر این شبستان از برج‌های سن‌جیوانی دی لبروسی (San Giovanni dei Lebbrosi) و کلیسای مارتوران (۱۱۴۳م) بلندتر هستند. قسمت‌های بالایی گنبدهای منطقه مسینا مشبک است و ساختمان پیچیده‌ای دارند. نقشه مستطیلی باغ لاکوبا دارای گوشک (Pavillion) کوچکی به همراه چهار تاقگان و گنبد بلندی بوده که الگویی بر گرفته از مقابر مصر و افریقیه بوده است. الگوی بناهای غیرمذهبی افریقیه همانند اماکن مذهبی آن بوده است. نمای ساختمان‌ها شامل تاقگانی بلند و کور (blind) به همراه چندین قوس و تاقچه‌ای (niche) عریض همراه با دیوارهای صاف یا نیم‌دایره بود که گاه طرحی صدفی شکل نیز بر فراز هر دیوار نصب می‌شد. بیشتر در و پنجره‌ها همانند همین بناهای دوران فاطمیان در قاهره، فلسطین مسیحی‌نشین، و سوریه تحت حاکمیت ایوبیان به وسیله قبه‌های تزیینی دو رنگ ساخته می‌شدند. گرچه منشاء این عناصر تزیینی شمال آفریقا یا خاورمیانه نبود اما این عناصر در خزاین و گنجینه‌های دیگر مناطق تحت فرمان نورمانی‌ها از ایتالیای جنوبی گرفته تا انگلستان، یافت می‌شوند. اشکال متنوع کنگره‌های پالمو شباهت‌های بسیاری با بخش‌هایی از کاخ المنصوریه و قلعه بنی‌حامد دارند. در این بناها همان کتیبه‌هایی ساخته شده است که در معماری نورمانی بسیار متداول بودند و در حقیقت تقلیدی از کتیبه‌های مساجد شمال آفریقا و مصر بودند و معمولاً حاوی اطلاعاتی درباره تاریخ احداث بنا و بانی بودند. بدون شک معماری افریقیه الگو و سرمشقی برای ساختمان‌ها و بناهای سیسیلی

درخشش دربار فاطمیان و تنوع فرهنگی آن / صفورا فضل‌اللهی

قرن دوازدهم محسوب می‌شد با این همه هنوز هم پرسش‌هایی دربارهٔ منشاء و سرچشمهٔ هنر و معماری افریقیه آن باقی است. جبهٔ تاج‌گذاری روژه دوم از جمله اشیای هنری است که آشکارا دارای سرچشمه‌های سیسیلی و اسلامی است. سواى طرازهای پالمو اطلاعات چندانی دربارهٔ وجود کارگاه‌های بومی یا وارداتی طراز در این دوران نداریم اما بنا بر برخی از حدسیات گویا زمانی که اسلام حضور مقتدرانه‌ای بر این جزیره داشته است کارگاه‌هایی در این منطقه تأسیس شده بودند که هنرمندان و صنعتگران بسیاری به مدت دو قرن در آنها تعلیم دیدند.



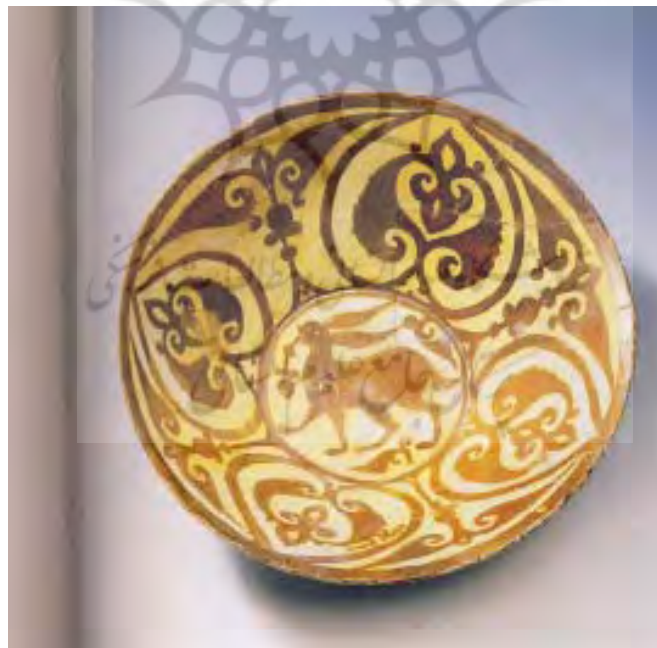
پیام بهارستان / ۲۰، س ۴، ش ۱۴ / زمستان ۱۳۹۰

تصویر یک: فنجان شیشه‌ای، مصر، قرن ۹-۱۱م، لندن، موزه ویکتوریا و آلبرت

درخشش دربار فاطمیان و تنوع فرهنگی آن / صفورا فضل‌اللهی



تصویر دوم: ظرف شیشه‌ای، مصر، قرن ۱۰م، برلین، موزه هنرهای اسلامی



تصویر سه: کاسه سفالی، فسطاط، قرن ۱۰ و ۱۱م، برلین، موزه هنرهای اسلامی

پیام بهارستان / ۲۰، س ۴، ش ۱۴ / زمستان ۱۳۹۰

درخشش دربار فاطمیان و تنوع فرهنگی آن / صفورا فضل‌اللهی



تصویر چهار: ظرف سفالی، مصر، قرن ۱۱م، لندن، موزه ویکتوریا و آلبرت



تصویر پنجم: ظرف سفالی، مصر، قرن ۱۱م، قاهره، موزه هنرهای اسلامی

درخشش دربار فاطمیان و تنوع فرهنگی آن / صفورا فضل‌اللهی



تصویر شش



تصویر شش و هفت: کتیبه‌هایی از یک کاخ دوره فاطمی، قرن ۱۱م، قاهره، موزه هنرهای اسلامی



تصویر هشت: قطعه خاتم کاری، ادفو، قرن ۱۰م، قاهره، موزه هنرهای اسلامی

پیام بهارستان / ۲۴، س ۴، ش ۱۴ / زمستان ۱۳۹۰

درخشش دربار فاطمیان و تنوع فرهنگی آن / صفورا فضل‌اللهی



تصویر نه: پارچه کتان و ابریشم، مصر، قرن ۱۲م، قاهره، موزه هنرهای اسلامی

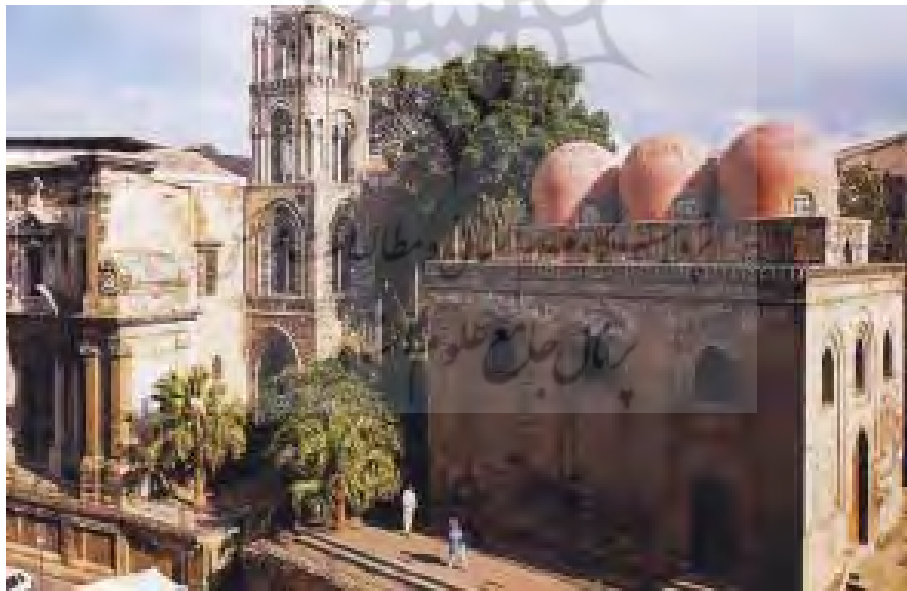


تصویر ۱۰: آویز طلا و جواهر، مصر، قرن ۱۱م، لندن، مجموعه معماری و هنر باستان

درخشش دربار فاطمیان و تنوع فرهنگی آن / صفورا فضل‌اللهی



تصویر ۱۱: شیر فلزی، مصر، قرن ۱۱ و ۱۲م، قاهره، موزه هنرهای اسلامی



تصویر ۱۲: کلیسای سن کاتالدو در پالمو، ۱۱۶۱م

پیام بهارستان / ۲۰، س، ۴، ش، ۱۴ / زمستان ۱۳۹۰

درخشش دربار فاطمیان و تنوع فرهنگی آن / صفورا فضل‌اللهی



تصویر ۱۳: نمای بیرونی کاخ لازیسا، پالرمو، ۱۱۶۶م



رواق بهشتی متعلق به کلیسای جامع آمانفی، پالرمو، ۱۲۵۵-۱۲۶۸م

درخشش دربار فاطمیان و تنوع فرهنگی آن / صفورا فضل‌اللهی



تصویر ۱۵: برج ناقوس متعلق به کلیسای آمانفی، پالمو



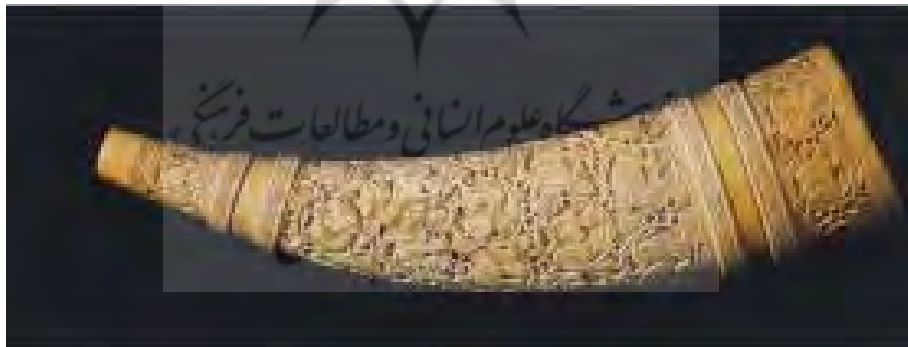
تصویر ۱۶: دستکش، پالمو، ۱۲۲۰م، وین، موزه Kunsthistorisches

پیام بهارستان / ۲۰، س، ۴، ش / ۱۴ / زمستان ۱۳۹۰

درخشش دربار فاطمیان و تنوع فرهنگی آن / صفورا فضل‌اللهی



تصویر ۱۷: ردایی برای انجام نیایش، پالمو، ۱۱۸۱م، موزه Kunsthistorisches



تصویر ۱۸: شاخ عاجی، سیسیل یا ایتالیای جنوبی، قرن ۱۱-۱۲م، برلین، موزه هنرهای اسلامی

درخشش دربار فاطمیان و تنوع فرهنگی آن / صفورا فضل‌اللهی



تصویر ۱۹: گریفین (شیردال)، اسپانیا، قرن ۱۱-۱۲م، پیزا، موزه دل‌آپرا دل‌دومو



تصویر ۲۰: جعبه عاجی جواهر، سیسیل یا ایتالیا، جنوبی، قرن ۱۱-۱۲م، برلین، موزه هنرهای اسلامی

پیام بهارستان / ۲، س، ۴، ش، ۱۴ / زمستان ۱۳۹۰